

**مطالعه‌ی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و جمعیتی زنان حاشیه‌نشین شهر  
ایلام (مورد مطالعه: نواحی بان برز، بان بور و سبزی آباد شهر ایلام)**

(صص: ۱۰۳-۱۱۹)

اسداله نقدی\*

طوبی رضایی\*\*

**چکیده**

شهر ایلام تجربه‌ی شهری شدن سریع را پشت سر گذاشته و دارای بافت حاشیه قابل توجهی است. اغلب مطالعات مرتبط با حاشیه‌ها که حجم قابل توجهی را در دهه‌های گذشته به خود اختصاص داده است، به مسائل عام این مناطق و اغلب از دید مردان یا مردانه پرداخته‌اند. این پژوهش به بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی زنان حاشیه‌نشین شهر ایلام نسبت به زندگی شهری و مسائل محلات خود می‌پردازد. مطالعه بر مبنای رهیافت جامعه‌شناختی، به بررسی نگرش‌ها و گرایش‌ها و رفتارهای زنان حاشیه‌نشین پرداخته است و تأثیر برخی متغیرهای مستقل همچون سن، تحصیلات، تأهل، مهاجرت رضایت‌مندی یا عدم رضایت از زندگی، تعلق شهروندی بر رفتارهای باروری، ازدواج و مشارکت و روابط اجتماعی زنان حاشیه‌نشین را مورد کنکاش قرار داده است.

روش انجام این تحقیق، پیمایشی با رویکرد مقایسه‌ای و از نظر زمانی مقطعی است. برآورد حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان انجام گرفته است. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای - اتفاقی ساده استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زنان و خانوارهای آن‌ها، کسب درآمد و به دست آوردن شغل به‌ترو پس از آن، ادامه‌ی تحصیل فرزندان خود را مهم‌ترین دلایل مهاجرت به شهر می‌دانند. تمایل به مشارکت (مشارکت بالقوه) بسیار بالاست. هم‌چنین، دلیل اصلی که زنان را به سمت فرزندآوری بیشتر می‌کشاند، احترام اجتماعی در دوران بارداری و فرزندآوری است.

**کلید واژه‌ها:** حاشیه‌نشین، زنان، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی، شهر ایلام

#### مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان موجب می‌شود که ترکیب جمعیت شهرهای بزرگ به کلی جنبه‌ی طبیعی خود را از دست بدهد و همزمان با آن، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمیها همه کمبودها و مظاهر کالبدی و اقتصادی- اجتماعی که معمولاً همزاد این شکل از سکونت شهری است، ظاهر شود. از مهم‌ترین و عینی‌ترین ویژگی‌های این الگوی سکونت در فضاهای شهری جدید، مسکن غیرمتعارف و نرخ بالای بیکاری و عدم اشتغال مناسب، ویژگی‌های اجتماعی حاشیه‌ای بودن مانند تفاوت‌های قومی، زبانی، سبک زندگی سواد و ... شرایطی را برای حاشیه‌نشینان فراهم ساخته که این شیوه‌ی زیست را غیراستاندارد و غیرمتعارف می‌نماید.

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که مثل هر مسأله‌ی اجتماعی دیگر به کندی شکل می‌گیرد و در آغاز حساسیتی را بر نمی‌انگیزد لیکن وقتی گسترش یافت و به نوعی از شیوه‌ی سکونتی گروهی از مردم تبدیل شد، توجه گروه‌های اجتماعی، انتظامی و مدیریتی را برمی‌انگیزد و آن‌ها را به راه‌حل‌های شتاب آلود و در مواردی، قلع و قمع واحدهای سکونتی ساخته‌شده سوق می‌دهد (نقدی، ۱۳۸۶: ۲).

مطالعات متعدد انجام‌شده در شهرهای مختلف نشان می‌دهد که اگر چه سابقه‌ی حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران به سال‌های ۱۳۰۰ برمی‌گردد ولی شدت و رواج آن در دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ و بعد از آن است. اصطلاح حاشیه‌نشینی یا زاغه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه در مورد محلات فقیرنشینی به کار می‌رود که در اطراف شهرهای بزرگ به وجود آمده‌اند و ساکنین این مناطق به علل گوناگون نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شوند تا از امکانات و خدمات شهری استفاده نمایند. به باور مایک دیویس گاهی در برخی شهرهای این دسته کشورها تا ۷۰ درصد سکنه‌ی شهر را شامل می‌شوند (نقدی، ۱۳۹۲: ۱۳).

حاشیه‌نشینی، قدمتی نزدیک به ۱ قرن دارد، نماد فقر و محرومیتی است که از شکاف عمیق طبقاتی، بیکاری دائم و فقر معیشتی حکایت می‌کند و می‌توان آن را بستر ساز ناهنجاری‌های مختلف دانست (ربانی، ۱۳۸۷: ۲۸۰).

#### چهارچوب نظری تحقیق

الف- نظریه‌های مهاجرت و حاشیه‌نشینی

• کاستلز: حاشیه‌نشینی را به «سیاه چاله‌های شهری» تشبیه می‌کند و از آن به عنوان یک جهان متفاوت با همه‌ی جهان‌های موجود دیگر که علی‌رغم پراکندگی جغرافیایی در شمال و جنوب دارای ویژگی‌های مشترک است، یاد می‌کند. وی حاشیه‌نشینی را محرومیت از حق دسترسی به شهر در ابر شهرهای نوین جامعه‌ی اطلاعاتی دانسته است و با عنوان «جهان ۴» از حاشیه‌نشینان یاد

می‌کند؛ ولی آن را با شهر پیرامونی وی نباید اشتباه گرفت: شهرنشینی با آهنگ شتابنده‌ای گسترش می‌یابد و به رغم این که امکانات اشتغال مولد برای جمعیت شهری نیز متناسب با افزایش جمعیت شهرها تأمین نمی‌شود و در اثر کمبود تسهیلات زیربنایی، اجتماعی و سکونتگاه‌ها و محله های نامتعارف از قبیل زاغه‌ها و آلودگی‌های حاشیه‌ای که از طریق مهاجران تازه‌وارد برپاشده به شیوه‌ی «خودرو» به وجود می‌آیند (به نقل از نقدی، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

• **پیران:** در بحث رشد شهری شتابان در ایران، بحث غیر درون زا بودن الگوی شهرنشینی ایران را مطرح کرده است. به عقیده‌ی او این الگوی شهرنشینی به علت درون زا نبودن، منجر به پیامدهای بسیاری برای جوامع جهان سوم می‌گردد. شهری شدن در جهان سه سبب تضاد بین فرهنگ سنتی و فرهنگ عاریتی شده و دوگانگی گریبان شهروندان جهان سه را می‌گیرد و به ناسازگاری در متن‌های اجتماع منجر می‌شود. از طرفی، مهاجرت بی رویه و انبوه، علاوه بر تشدید بحران هویت به ظهور شخصیت حاشیه‌نشین منجر می‌گردد (پیران، ۱۳۸۰: ۵۸-۶۰).

• **زنجان:** جریان افسارگسیخته‌ی مهاجرت از نقاط روستایی و شهرهای کوچک به سوی شهرهای بزرگ به ایجاد شهرک‌ها، کوی‌ها و محله‌های مختلف پیرامون آن شهرها انجامید و در بسیاری موارد به پیدایش سکونتگاه‌های حاشیه‌ای منجر شد (۱۳۸۰: ۲۳۱).

در جمع‌بندی این قسمت می‌توان گفت: علت ایجاد حاشیه‌نشینی از نظر کاستلز، رشد شتابنده شهرها و افزایش جمعیت (که بیشتر مهاجران تازه وارد هستند) و از دیدگاه پرویز پیران، فاصله‌بین فرهنگ سنتی و فرهنگ عاریتی (که از مهاجرت بی‌رویه‌ی روستاییان ناشی می‌شود) است. زنجان نیز مهاجرت روستاییان به شهرها را عامل اصلی پیدایش حاشیه‌نشینی می‌داند. به طور کلی؛ این سه نظریه پرداز عامل اصلی حاشیه‌نشینی را مهاجرت روستاییان به شهر می‌دانند.

#### علل پیدایش و گسترش حاشیه‌نشینی

اگرچه همه‌ی شهرهای دنیا شاهد اشکالی از حاشیه‌نشینی هستند؛ اما بنا بر آمارهای اسکان بشر سازمان ملل این نسبت در جوامع در حال توسعه بسیار بالاست و از آن مهم تر، سرعت افزایش جمعیت حاشیه‌نشین در این دسته کشورها است. علل حاشیه‌نشینی در سه دسته‌ی کلی قابل طبقه بندی است: علل ساختاری و کلان، علل غیر ساختاری و نهایتاً علل موردی (نقدی، ۱۳۸۲: ۹۱). برخی از علل ساختاری عبارت‌اند از: الگوی برنامه‌ریزی توسعه‌ی کشور، گسیختگی اجتماعی ناشی از گذر از نظام سنتی تولید به نظام سرمایه‌داری، عدم آمایش و توزیع نامناسب جمعیت، رشد بالای جمعیت و اثر آن بر توسعه‌ی شهرها و سکونتگاه‌های پیرامونی، تشدید مهاجرت و اثرگذاری آن بر قطبی شدن استقرار جمعیت در شهرهای بزرگ، نظام حکومتی و نگرش‌های مدیریتی شهری در ایران، عوامل و شرایط خاص (همان: ۹۲-۹۸).

منشأ جمعیت شهرنشین تنها افزایش طبیعی شهرها نیست بلکه مهاجرت روستائیان به شهرها یکی از علل اصلی آن است. علل عمده‌ی مهاجرت روستائیان به شهرها، علاوه بر جاذبه‌های شهرنشینی و رشد اشتغال صنعتی در شهرها؛ کمبود کار و فقر عمومی روستائیان، ترجیح دادن مشاغل صنعتی با دستمزد بالا، امید به آینده‌ی بهتر برای خود و فرزندان و توزیع نامناسب امکانات رفاهی شهر و روستا است (توسلی، ۱۳۷۹: ۳۵).

در کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، مهاجرین روستایی با حرکات موجی، همه‌ی اطراف شهرها را تصرف می‌کنند. این مهاجرین روستایی به هنگام ورود به شهرها نمی‌توانند برای خود جایی در محله‌های قدیمی، رو به ویرانی و یا بخش زاغه‌های شهری پیدا کنند زیرا قبلاً این قبیل محله‌ها اشغال شده‌اند و ناگزیرند به اطراف شهرها هجوم ببرند. از این رو، حاشیه‌ی شهرها بیش از همه مورد توجه مهاجرین روستایی قرار می‌گیرد. بعد از اشغال حاشیه‌ی شهرها توسط مهاجرین، عده‌ای از مردم کم درآمد شهری نیز در جستجوی واحدهای مسکونی ارزان قیمت به مناطق حاشیه‌نشین پناه می‌برند.

مهاجرت از روستا به شهر، جریان مسلط مهاجرت خالص در اکثر کشورها است. البته، عوامل اقتصادی، مؤثرترین عوامل هستند؛ مهاجرین به خاطر اینکه فرصت‌های درآمدی و اشتغال در روستا ناکافی است، روستاها را در جستجوی شغل و دستمزد ترک می‌کنند. افراد مهاجر به دو گروه تقسیم می‌شوند. یک گروه، افراد مهاجران پویا که دارای خصوصیات تحصیلات، تجربه، ارتباطات، توانایی ریسک کردن و پشتکار و ... بوده و گروه دو که فاقد خصوصیات فوق‌اند، به مهاجرین کم تحرک معروف‌اند. اینان به دلیل عدم خصوصیات فوق در سطح زندگی خود پیشرفت کمی کرده، یا اصلاً پیشرفتی ندارند و ممکن است تحرک نزولی هم داشته باشند. مهاجرین نوگرا به دنبال مقصدهایی می‌گردند که در درازمدت فرصت‌های بهتری برای تحرک اقتصادی، اجتماعی به آن‌ها بدهد و مهاجرین کم تحرک و فقیرتر به جاهایی می‌روند که دوستان یا اقوامی در آنجا دارند. به این امید که چیزهای بهتری وجود دارد. این مهاجرین کم تحرک به خاطر فقر و برای حفظ خود مهاجرت می‌کنند. آگاهی آن‌ها از فرصت‌های شغلی در سایر نقاط ممکن است به آنچه از دوستان شنیده‌اند محدود شود. از این رو، آن‌ها اغلب از اقوام یا دوستان پیرویمی نمایند.

پیتر هال و دیوید اسمیت<sup>۱</sup> معتقدند که مسائل اجتماعی و اقتصادی شهرها بازتابی از تسلط ارزش‌های ویژه، ایدئولوژی‌ها و شکل‌بندی اجتماعی محسوب می‌شود. به سخن دیگر؛ مسایل شهری، کیفیت دریافت مفهوم رفاه اجتماعی در نظام‌های حکومتی بیان می‌کند. چنین می‌نماید که شرایط دسترسی به پایگاه اقتصادی فرصت‌های شغلی، بهداشتی و درمان، کیفیت مسکن، تعلیم و تربیت، همه از نظام‌های حکومتی، سیستم‌های اقتصادی و میزان کنترل اجتماعی نشأت می‌گیرند.

بشر می‌تواند زمینه‌ی بروز از خود بیگانگی افراد گردد: از خود بیگانگی به معنای احساس عدم توانایی در برقراری ارتباط با جهان اطراف است که در محیط‌های شهری بیش از سایر محیط‌ها رخ می‌دهد. گمنامی، غیر مشخص بودن، انزوای اجتماعی و دیوان‌سالاری، شهری شدن، بیگانگی از کار و احساس بی‌قدرتی در مناسبات اجتماعی به همراه احساس تظلم و بی‌عدالتی زمینه را برای انواعی از رفتارهای هنجارشکنانه فراهم می‌کند. هالباکس<sup>۱</sup> بر این عقیده بود که خودکشی در مناطق شهری به طور نسبی بالاتر است؛ زیرا روش زندگی شهری ثبات کمتری داشته، غیرشخصی است و از نظر اجتماعی تعداد بیشتری از افراد، بی‌ارتباط با هم‌نوعان خود در انزوا زندگی می‌کنند و بدین ترتیب بیشتر برای خودکشی آمادگی دارند. هالباکس معتقد بود که هر چه از شهرهای دارای جمعیت متراکم به سوی مناطق روستایی حرکت کنیم، میزان‌های خودکشی کاهش می‌یابد. هالباکس مدعی بود که بسیاری از همبستگی‌های مورد مشاهده‌ی دورکیم را می‌توان به صورتی مؤثرتر براساس روش‌های متفاوت زندگی شهری و خرده‌فرهنگ‌های روستایی تعیین کرد. رشد اجتماعات خودرو و خودجوش در شهرها و شهرک‌های جهان سومی پس از جنگ جهانی دوم، یکی از مهم‌ترین و دردآورترین پدیده‌های اجتماعی در این کشورها بوده است. در بررسی روند شهرنشینی مشاهده می‌شود که زاغه‌ها، حاشیه‌ها و آلونک‌ها، حلی آبادها و شبکه آبادها و حصیر آبادها در واقع، جاهای استقرار نخستین کوچندگان روستایی هستند. این سرزمین‌های حاشیه به ویژه در شهرهای پر جمعیت، مانند بمبئی خود سالانه دوازده درصد رشد دارند. روزگار کسانی که از روستا آمده و هیچ‌گونه عادت شهرنشینی نداشتند وخیم تر شده است، سرگردانی و بی‌کسی آن‌ها بیشتر مربوط به مسائل جدید، مسکن، کار در خارج از خانه و حمل‌ونقل است. در نتیجه، کج رفتاری‌های اجتماعی که حاصل زندگی فقیرانه‌ی شهری است، رو به ازدیاد می‌گذارد. حاشیه‌نشینی معلول عوامل بسیاری است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مهاجرت بی‌رویه‌ی روستائیان به نقاط شهری در کشورهای مختلف به ویژه در جوامع در حال توسعه اشاره کرد. اجرای قانون اصلاحات ارضی سبب متمرکز شدن فعالیت اقتصادی مالکان بزرگ در شهرها و قطع ارتباط آن‌ها با روستاها و رها کردن روستاها با مشکلات عدیده، نظام شهر و شهرنشینی را با پیامدهای بسیاری مواجه ساخت. به نظر وبستر<sup>۲</sup>، کشاورزان فقیر چه صاحب زمینی باشند و چه مستأجر، اغلب با سیاست‌های توسعه‌ی کشاورزی خاص، امنیت شغلی خود را از دست می‌دهند و برای جبران این وضعیت، آن‌ها و خانواده‌هایشان به جست و جوی کار اضافی (که قادر به انجام آن باشند) می‌پردازند. بسیاری از آنان بهترین راه حل را مهاجرت به شهر برای یافتن کار می‌دانند. از سوی دیگر، افزایش سریع جمعیت شهری که تغییرات مهمی را در ترکیب جنسی و سنی جمعیت به وجود می‌آوردند،

شهرها را با معضلات ناشی از آن مواجه می‌کند. به این مفهوم که هجوم جوانان روستایی به شهرها موجب افزایش سریع جمعیت شهری در گروه سنی جوانان می‌شود و گروه سنی جوانان را نسبت به گروه‌های دیگر به صورت نامتعادلی درمی‌آورد و این امر مسأله‌ی اشتغال و مسکن را به یکی از عمده‌ترین مسائل شهرها تبدیل می‌کند و شهرها با ناهنجاری‌های زیادی می‌سازد. غلبه‌ی جمعیت جوان به ویژه در نقاط شهری؛ یعنی غلبه و تحمیل انبوهی از مسائل اجتماعی و مشکلات اقتصادی بر نظام برنامه‌ریزی آن جامعه، و به این دلیل است که مهاجرت روستائیان به شهرها موضوع برنامه‌ریزی شهری را در زمان ما قویاً مطرح ساخته و پرداختن به آن را از ضروری‌ترین برنامه‌های دولت‌ها ساخته است (نقدی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). کمبودهای متعدد در هر زمینه‌ای موجب می‌شود تا آنان از طریق همبستگی گروهی مضاعف، بسیاری از کارکردهایی را که جامعه‌ی شهری قادر به برآورد کردنش نیست، مرتفع سازند. این امر، به شکل‌گیری گروه‌ها و جریان‌ها و جنبش‌های پرشور منتهی می‌شود که می‌تواند به سرعت فشارهایی را به دولت و جامعه‌ی شهری وارد سازد. از طرفی، در بسیاری موارد، این اقشار که برخی به نان شب محتاج‌اند، به سوی فعالیت‌هایی کشیده می‌شود که سبب آسیب‌های اجتماعی کلان برای جامعه می‌شود. سپس، مقاومت گروه‌های مذکور برای کسب معاش از این طریق غیرقانونی به پیدایش باندهایی منجر می‌شود که انواع فعالیت‌های غیرقانونی را به شبکه‌ای در هم تنیده بدل می‌سازد که نگاهی بخشی به آنان هم می‌تواند وضعیت اقشار آسیب پذیر مذکور را بدتر کرده و یا ناخواسته باعث گسترش آن‌ها به زمینه‌های جدید و فعالیت‌های جبرانی گسترده تبدیل شود. مجموعه‌ی آن‌ها موجب می‌شود تا نارضایتی حاشیه‌نشینان به شکلی جمعی بروز کرده و در سطح اجتماعی به شکل اعتراضات گروهی و آشوب بروز کند و شکل‌گیری رفتارهای جمعی از نوع وندالیسم و آسیب‌های اجتماعی مربوط به آن را پدید آورد و گروه‌هایی را شکل می‌بخشد که تنها راه درست هر چیز در خراب کردن و از بیخ و بن کردن آن می‌بینند. در این شرایط اجتماعی، جوانان حاشیه‌نشین هر چه بیشتر خود را با چنان اخلاق، منش و نگرش و باورهای غالب حاشیه‌نشینان همراه ساخته و جامعه‌پذیر می‌شوند زیرا حامی‌ای جز آنان برای پاداش نگرش‌ها و رفتارهایشان نمی‌یابند (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

#### حاشیه‌نشینی در ایلام

شهر ایلام تا چند دهه قبل، شهری کوچک و بسیار سنتی بوده است اما عمده تحولات این شهر در سه دهه‌ی اخیر به خصوص پس از پایان جنگ تحمیلی رخ داده است. تغییر در مناسبات شهر و روستا و نیز حاشیه‌ای شدن الگوی تولید روستایی، نوسازی شبکه‌ی راه‌ها و ارتباطات، بی‌توجهی به بخش کشاورزی و توسعه‌ی روستائی و در نتیجه، عدم توانایی نقاط روستایی در نگه‌داشت جمعیت، تفکر یا انگیزه‌ی دست‌یابی به زندگی بهتر در شهرها، توجه و تزریق اعتبارات توسعه به مراکز استانی،

سوانح و تغییرات اقلیمی و طبیعی و انسانی (وقوع جنگ تحمیلی...)، یکجانشین شدن ایلات و عشایر از جمله دلایل گسترش حاشیه‌نشینی در شهر ایلام است. براساس نظریه انتخاب عقلانی در اقتصاد، حاشیه‌ها معمولاً در پشت دیوارهای شهرها (نقشه‌ی محدوده‌ی قانونی شهر به جای برج و باروهای قرون میانه!) شکل‌می‌گیرند تا هم از موانع قانونی اخذ مجوز و هزینه‌های انشعاب‌ها و خدمات شهری دوری کنند و هم امتیاز نزدیکی فیزیکی به بازار شهر را از دست ندهند. شکل‌گیری هسته‌های اولیه‌ی محلات سه‌گانه سبزی‌آباد، بان‌بور و بان‌برز به طور منطقی در نزدیک‌ترین فاصله به مرکز شهر شکل گرفته‌اند تا جایی که به مرور زمان همان هسته‌های اولیه اکنون یا دارای کم‌ترین تفاوت با سایر بافت‌های متعارف شهری هستند و یا تشخیص آن‌ها به عنوان سکونت‌گاه غیرمتعارف بسیار مشکل است. در شهر ایلام حاشیه‌ها از اواخر دهه‌ی ۱۳۴۰ شروع به رشد آرام کردند؛ اما رشد و گسترش اصلی آن‌ها به دهه‌های پس از انقلاب به ویژه بعد از پایان جنگ و شروع بازسازی شهرهای این استان بازمی‌گردد.

#### توزیع محلات حاشیه در عرصه‌ی شهری ایلام

حاشیه در سطح شهر ایلام در محدوده‌های شرقی، شمالی و بخش کوچکی نیز در جنوب شهر قرار دارند. ویژگی اصلی این‌گونه بافت‌ها فقدان طرح‌های از پیش اندیشیده شده است. همچنین، عدم دسترسی به خدمات شهری و فقر کیفیت کالبدی زیربنایی و پایین بودن شاخص‌های کیفیت زندگی شهری منجر به پیدایش بافت‌های شهری مسألهدار گردیده است. محلات دارای اسکان غیررسمی، تبلور تقابل حاشیه و شهر است. به عبارت دیگر، این پدیده تابعی از علل ساختاری مانند، نابرابری در فرصت‌ها و توزیع نامتعادل ثروت و درآمد است که به شکل کالبدی اجتماعی-اقتصادی خودنمایی می‌کند. به هر ترتیب، سنگ بنای محلات دارای اسکان غیررسمی و فقیرنشین، بر عدم دسترسی ساکنان آن‌ها به فرصت‌ها و در نهایت، تمایزات اجتماعی و جدایی‌گزینی‌های فضایی استوار است. بدین ترتیب، تفاوت اساسی محلات دارای اسکان غیررسمی و محلات دارای مسئله و مرکز شهر در سبک و سیاق و نحوه‌ی شکل‌گیری آن‌هاست. براساس بررسی‌های انجام‌شده، محلات بان‌برز با محدوده‌ای معادل ۱۰۱ هکتار، بان‌بور با محدوده‌ای معادل ۳۸/۹ هکتار و سبزی‌آباد با محدوده‌ای معادل ۶۱ هکتار به عنوان مهم‌ترین محدوده‌های دارای اسکان نامتعارف تشخیص داده شده‌اند. سکونت‌گاه‌های فقیرنشین عموماً با ویژگی‌های خاص، از سایر بافت‌های شهری متمایز می‌شوند. این تفاوت‌ها در عرصه‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل تشخیص است. به طور کلی، بافت کالبدی این‌گونه محلات دارای ویژگی‌هایی همچون ریزدانه بودن واحدهای مسکونی (مساحت کم)، بافت غالب یک طبقه و غلبه‌ی کاربری مسکونی به شکل بارز می‌باشند. علی‌رغم اینکه در جوامع مختلف شهری، محلات فقیرنشین دارای گونه‌های متفاوتی هستند؛ اما در یک موضوع مشترک‌اند

و آن، فقدان کاربری‌های عمومی است. هرچند تعیین حدود دقیق محلات فقیرنشین به لحاظ فرهنگی و جداساختن بافت‌های فقیرنشین با خطوط هندسی امکان‌پذیر نیست، اما درعین حال می‌بایست برای هدایت نمودن چارچوب مطالعاتی محلات، محدوده‌هایی را مشخص نمود. بدین ترتیب، به ناگزیر در این مطالعه نیز محدوده‌هایی برای هر یک از محلات به شرح زیر تعیین شده است:

- **محدوده‌ی محله‌ی سبزی آباد:** این محله از شرق، شمال و شمال شرقی به کمربندی جدیدالاحداث شهر، از غرب به منازل مسکونی سازمان آموزش و پرورش و هم‌چنین، بلوار جمهوری و از جنوب نیز به خیابان ریابه کمالی محدود می‌شود.

- **محدوده‌ی محله‌ی بان بوز:** این محله از شمال به کمربندی شمالی شهر ایلام، از شرق به خیابان استقلال، از جنوب به کانال فاضلاب و از غرب نیز به خیابان انقلاب و خیابان حجاب محدود می‌شود.

- **محدوده‌ی محله‌ی بان برز:** این محله از شرق به کمربندی جدید ایلام، از جنوب به محدوده‌ی قانونی شهر، از شمال به خیابان ولیعصر، از غرب ابتدا به خیابان عیسی حسینی و در ادامه به خط عبور کانال فاضلاب و بلوار امام محدود می‌گردد (اسدالهی و ناطق پور، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۷). سایر محلات حاشیه نیز مناطقی از قبیل تپه‌ی پایه یک ایلام، بان چرمگ و ... را شامل می‌شود.

#### حاشیه‌نشینان و تنظیم خانواده

جمعیت ایران طی دهه‌های اخیر افزایش چشم‌گیری یافته است، نرخ رشد جمعیت در نواحی روستائی و محلات حاشیه و پایین شهر بیشتر از متن شهرها بوده است. در نتیجه، مشکلاتی از قبیل رشد سریع جمعیت شهری، افزایش فقر در شهرها، دسترسی ناکافی به مسکن و خدمات اصلی شهری، شکاف عظیم میان طبقات اجتماعی، بیگانگی شهروندان از هم ایجاد کرده؛ و انبوه مهاجرت از مناطق روستائی و مناطق شهری و سکونت در حاشیه‌ی شهرها باعث گسترش و تشدید بی‌رویه‌ی شهرنشینی و نهایتاً، ایجاد زاغه و مسکن غیرقانونی و نارسایی امکانات اصلی شهری در شهرها شده است.

یکی از بنیادی‌ترین نیازهای هر شهروندی، مسکن شهری است. رشد سریع جمعیت و پیشی گرفتن آن بر رشد اقتصادی و خدمات تسهیلات شهری سبب انواعی از کمبودها از جمله مسکن و شغل می‌شود. البته، اگر به ازای هر یک درصد رشد جمعیت حدود سه درصد رشد اقتصادی رخ داده باشد، قاعدتاً نباید مشکلاتی از نوع بالا رخ نماید. ایران طی دهه‌های گذشته به دلیل نرخ رشد سه درصد و گاهی بیشتر، نیازمند ساخت‌وساز مسکن متناسب بوده است. درحالی‌که طی مدت مذکور در حدود نیمی از تعداد مسکن شهری ساخته شده است. بدین ترتیب، تفاوت بارز بین عرضه و تقاضای واحدهای مسکونی موجب بروز مجموعه‌های نامتناسب در حاشیه‌ی شهرها گردید. نتیجه‌ی این عدم



توازن در تولید واحدهای مسکونی بوده است. حاشیه‌نشینی پاسخی به این عدم تعادل بوده است. البته، تنها دلیل، این مشکل نبوده، بلکه این، یکی از شروط تکمیل‌کننده بوده است. مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری در ایران، تقریباً به صورت مهاجرت درجه‌ای، مهاجرت از روستا به شهرهای کوچک و متوسط و حومه‌ی شهرهای بزرگ و سپس، به مراکز شهری بزرگتر بوده است. بدین طریق که مهاجرت روستایی در اثر عوامل دافعه‌ی مناطق روستایی و جاذبه‌ی مناطق شهری به شهرها و سپس، شهرهای بزرگ‌تر و قطب‌های صنعتی و اقتصادی مهاجرت می‌نمایند. در نتیجه، شهرنشینی به سرعت گسترش می‌یابد. نتایج سرشماری‌های انجام‌یافته در ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۳۵ جمعیت شهری ۳۱/۴ درصد؛ در سال ۱۳۴۵، ۳۸/۷ درصد؛ در سال ۱۳۵۵، ۴۷ درصد؛ در سال ۱۳۶۵، ۵۴/۳ درصد؛ در سال ۱۳۷۵، ۶۱/۶۵ درصد و در سال ۱۳۸۵، ۶۹/۳ درصد بوده است. نتایج سرشماری‌های فوق نشانگر آن است که در طی چهل سال اخیر، نسبت جمعیت شهری ایران در مقایسه با سال ۱۳۳۵ افزایش چشمگیری داشته است. با توجه به هم ارز نبودن حدود تأثیر عوامل گوناگون در افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی، مشاهدات علمی حاکی است که در مناطق شهری به ویژه شهرهای بزرگ، حاشیه‌نشینی نقش به‌سزایی در افزایش جمعیت و مسائل و مشکلات شهری دارند. به عنوان مثال، تحقیقی تحت عنوان «بررسی باروری در ایران و رابطه‌ی آن با شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی» نشان داده است که مهاجرت روستائیان به شهرها باعث شده که مناطق شهری ایران نیز از میزان نسبتاً بالای باروری برخوردار باشد. به عبارت دیگر، بالابودن باروری در شهرها پیش از آنکه به خانواده‌های شهری مربوط شود، در ارتباط با مهاجرین روستایی است. از طرف دیگر، مهاجرین روستایی به دلیل پایین بودن درآمد در شهرها و گرانی قیمت زمین، حاشیه‌نشینی را در شهرها گسترش می‌دهند. نرخ رشد بالای جمعیت و ورود تازه‌واردان به مناطق حاشیه‌دار کنار خدمات نامتناسب تنظیم جمعیت و خانواده سبب شده است مسأله‌ی بی‌مسکنی و بد مسکنی در این نواحی صورت جدی‌تری به خود بگیرد. عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و تنظیم خانواده در مناطق حاشیه‌نشین به دلیل اینکه مناطق حاشیه‌نشین در حاشیه‌ی مدیریتی شهرهای کشور از جمله ایلام قرار دارند و اغلب امکان ارائه‌ی خدمات آموزشی و بهداشتی به طور عام و تنظیم خانواده را به طور اخص ارائه نمی‌شود یا ارائه‌ی این خدمات با مشکلاتی فراوانی روبرو بوده و در حد مورد نیاز و استاندارد نیست. تازه در صورت دسترسی به خدمات بهداشتی در این محلات به دلیل تفاوت فرهنگی که بین زنان حاشیه‌نشین و کارکنان و بهورزان بهداشتی وجود دارد، در پاره‌ای موارد پذیرش وسایل و روش‌های جلوگیری از بارداری در این مناطق با دشواری بیشتری روبروست.

### روش تحقیق

این تحقیق، پیمایشی و میدانی با رویکرد مقایسه‌ای است؛ و به دنبال توصیف و تحلیل ویژگی‌های جامعه شناختی مسائل زنان حاشیه‌نشین شهر ایلام است.

### جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری تحقیق، زنان ساکن در محلات مختلف دارای اسکان غیررسمی شهر ایلام است. به عبارت دیگر، تمامی زنان ساکن در محلات حاشیه‌نشین شهر ایلام، جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند و از لحاظ آماری دارای احتمال برابر جهت انتخاب بوده و نحوه‌ی انتخاب آن‌ها بادی‌های برنجی روش‌های علمی مرسوم در علم آمار بوده و به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شد.

### نمونه‌ی آماری

با توجه به اینکه از لحاظ علمی امکان دسترسی به کلیه‌ی اعضای جامعه‌ی آماری به دلیل کمبود زمان، امکانات تحقیق و هزینه‌های مالی بالا وجود نداشت؛ لذا نمونه‌ای از مناطق مختلف که قابلیت استناد از لحاظ علمی را داشته باشد، انتخاب شد و کلیه‌ی مراحل در مورد این نمونه‌ها به عمل آمد. به عبارت دیگر، حجم نمونه‌های انتخابی ۳۹۰ نفر بود و در هر محله زنان پاسخگو به گونه‌ای انتخاب شدند که از لحاظ آمار بهینه بوده و بتوان نتایج به دست آمده از نمونه را با احتمال بالایی به کل مناطق تعمیم داد. بر این اساس، از هر یک از مناطق حاشیه‌نشین شهر ایلام، نمونه‌های تصادفی انتخاب شد و سوالات و پرسش‌نامه‌های تحقیق در مورد آن‌ها تکمیل گردید. با توجه به نسبت خانوارهای هر یک از سه محله، تعداد پرسش‌نامه‌ها متناسب با نسبت یادشده از هر سه محله‌ی حاشیه‌نشین بان برز، بان بور و سبزی آباد انتخاب شده است.

جدول ۱- مشارکت در امور شهری

### یافته‌های تحقیق

مطلق	نسبی	میزان مشارکت
۱۱۶	۲۸	کاملاً موافقم
۱۵۹	۴۱	موافقم
۸۸	۲۳	بی‌نظر
۱۸	۵	مخالف
۹	۲	کاملاً مخالف
۳۹۰	۱۰۰	جمع کل

۶۹ درصد از پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند تمایل دارند در امور شهری مشارکت کنند؛ ۲۳ درصد، نظری در امور شهری ندارند و ۷ درصد نیز مخالف شرکت در امور شهری هستند.

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی تلقی خود به عنوان یک شهروند ایلامی

مطلق	نسبی	تعلق شهروندی
۱۳۷	۳۵	خیلی زیاد
۱۲۲	۳۱	زیاد
۱۰۸	۲۸	متوسط
۱۴	۳	کم
۹	۲	خیلی کم
۳۹۰	۱۰۰	جمع کل

با توجه به جدول شماره (۲)، ۶۶ درصد از پاسخ‌گویان خود را یک شهروند ایلامی می‌دانند؛ ۵ درصد خود را یک شهروند ایلامی نمی‌دانند و ۲۸ درصد خود را در میانه قرار داده‌اند یعنی؛ هم ایلامی هستند، هم نیستند.

جدول شماره ۳- فراوانی رضایت از زندگی زناشویی

مطلق	نسبی	رضایت
۱۰۶	۲۷	کاملاً راضی
۱۹۵	۵۰	راضی
۸۴	۲۱	متوسطه
۵	۱	ناراضی
—	—	کاملاً ناراضی
۳۹۰	۱۰۰	جمع کل

طبق داده‌های جدول شماره (۳)، ۷۷ درصد از زنان حاشیه نشین از زندگی زناشویی خود راضی هستند؛ ۲۱ درصد تا حدودی راضی هستند و یک درصد از زندگی خود ناراضی می‌باشند.

جدول شماره ۴- فراوانی ازدواج اختیاری یا تحمیلی

نوع ازدواج	نسبی	مطلق
اختیاری	۳۶۶	۲۵۸
تحمیلی	۳۲	۱۲۴
بدون جواب	۳	۸
جمع کل	۱۰۰	۳۹۰

۶۶ درصد از پاسخ‌گویان، ازدواج خود را اختیاری بیان کرده‌اند؛ ۲۳ درصد از پاسخ‌گویان ازدواج خود را تحمیلی گفته‌اند.

جدول شماره ۵- توزیع فراوانی آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌ها	نسبی	مطلق
اعتیاد	۴۲	۱۶۳
طلاق	۱۷	۶۶
خودکشی	۷	۲۷
زنان ویژه	۲	۸
بدون جواب	۳۲	۱۲۶
جمع کل	۱۰۰	۳۹۰

بیش از ۴۲ درصد از پاسخ‌گویان، اعتیاد را بیشتر در محله خود می‌بینند، ۱۷ درصد طلاق را در این محله‌ها می‌بینند و ۳۲ درصد به این سؤال جواب ندادند و ۷ درصد خودکشی را در این محله‌ها می‌بینند.